



یادداشت

جنبش دانشجویی مدافع استوار عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان

صادق کار



جنبش دانشجویی از گذشته های دور تا کنون به استثنای دوره کوتاهی پس از "انقلاب فرهنگی" کدایی و سرکوب و تصفیه سازمانهای دانشجویی مترقی و آزادیخواه همواره به همراه نیروهای مترقی و عدالت خواه دیگر از مدافعان پیگیر عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و اقشار محروم جامعه بوده است و در این عرصه تلاشها و مبارزات ارزشمند زیادی انجام داده است. بهمین خاطر پیوند نزدیکی میان جنبش دانشجویی با جنبش کارگری بوجود آمده که حتی انقلاب فرهنگی ارتجاعی حکومت و سرکوب شدید جنبش دانشجویی نیز نتوانسته است این پیوند را برای مدتی طولانی بگسلد و بین دو جنبش اصلی و مردمی کشور یعنی جنبش دانشجویی و کارگری که ستونهای اصلی جنبش دموکراتیک و مردمی کشور هستند شکاف ایجاد کند.

در واقع هدف اصلی ارتجاع حاکم پس از انقلاب ایجاد جدایی میان جنبش های دموکراتیک اجتماعی مختلف با هدف فراهم کردن تسلط استبدادی حکومت بر کشور بود. هم از این روی بود که از همان نخستین روزهای بعد از انقلاب، سرکوب جنبش ها، شوراها، سندیکاها و احزاب مترقی آغاز شد. حملات اوپاش طرفدار رژیم به مراکز کارگری و به مراکز دانشجویی مستقر در دانشگاه ها و سازماندهی انقلاب فرهنگی بهمین منظور انجام گرفت. در آن دوران حتی مرکز یکی از سازمانهای دانشجویی مسلمان و دفتری که برای برگزاری جلسات شوراها کارگری در پلی تکنیک داشتند از هجوم چماقداران تحت حمایت گردانندگان انقلاب فرهنگی که می خواستند دانشگاه ها را تبدیل به حوزه های علمیه کنند، در امان نماند.

مهمترین دلیل خشم و کین فقه های حاکم از رابطه تنگاتنگی بود که در دوران انقلاب بین جنبش کارگری و دانشجویی بوجود آمده بود. جنبش دانشجویی در آن مقطع با تمام توش و توان از شوراها کارگری در مقابل یورش ارتجاع دفاع می کرد و این حمایت از تحمل حکومت خارج بود. پس از هجوم جمعی به سازمانهای دانشجویی ترقی خواه، تصفیه فردی دانشجویان انجام شد و اختناق کامل بر دانشگاه ها بعد از بازگشایی مجدد دانشگاه ها حاکم گردید و برای مدتی امکان ارتباط جنبش دانشجویی با کیفیت پیشین با جنبش کارگری مختل گردید.



بعد از سرکوب سازمانهای دانشجویی مترقی دفتر تحکیم وحدت توسط عده‌ای از دانشجویان هوادار رژیم و با مساعدت و حمایت آنها تشکیل شد. در واقع قصد حکومت از مساعدت به تحکیم وحدت و دادن انحصار تشکیلاتی به این سازمان کنترل جنبش دانشجویی از طریق تحکیم وحدت و پیشبرد سیاستهای حکومت در دانشگاه‌ها بود. برای مدتی نیز تحکیم وحدت کارکرد مد نظر حکومت را در دانشگاه‌ها پیش برد. ولی پس از مدتی تحکیم وحدت نیز دچار تغییر و تحول شد و اکثریت آن ابتدا به حمایت از اصلاح طلبان برخاست و تعدادی از اعضای آن نیز به صف مخالفان حکومت پیوست.

نتیجه این دگرگونی سرکوب تحکیم وحدت و تلاشی آن و استقرار تشکل پلیسی بسیج دانشجویی به جای تحکیم وحدت شد. بسیج دانشجویی در بگیر و ببند دانشجویان چپ نقش موثری به عهده گرفت. تحکیم وحدت مدتی پس از فعالیت عملاً حمایت از عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان را که از سنتهای اصلی جنبش دانشجویی مستقل بود کنار گذاشت و مانند اصلاح طلبان به طرفداری از لیبرالیسم اقتصادی روی آورد. بدنبال این تغییر و تحولات جنبش مستقل و مترقی دانشجویی دوباره و با همان اهداف گذشته به همت دانشجویان چپ و مترقی پا به میدان مبارزه گذاشت و فضای دانشگاه‌ها را دگرگون کرد. از آن موقع تا کنون جنبش دانشجویی علاوه بر پیگیری مطالبات صنفی خاص دانشجویان و مبارزه با استبداد از حقوق، مطالبات و مبارزات کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران حمایت می‌کند. موضعگیری‌های دانشجویان چپ که همواره ستون اصلی جنبش دانشجویی بوده‌اند، از عدالت اجتماعی در شرایط سیطره طرفداران نولیبرالیسم اقتصادی بی شک نقش مهمی در تحولات دموکراتیک به سود توده‌های محروم خواهد گذاشت. در کشوری که احزاب و سندیکاها کارگری همواره غیر قانونی و تحت پیگرد پلیسی قرار داشته و دارند این جنبش دانشجویی است که می‌تواند تا حدودی وظیفه دفاع از عدالت اجتماعی و حقوق زحمت‌کشان را به عهده بگیرند. فرا رسیدن ۱۶ آذر روز دانشجو بر همه دانشجویان، آزادیخواهان و مدافعان عدالت اجتماعی گرامی و پیوند میان جنبش دانشجویی و کارگری مستحکم باد. یاد جانباختگان جنبش دانشجویی گرامی. درود به دانشجویانی که بخاطر مبارزه در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی به زندان افتاده و هم اکنون نیز عده‌ای از آنها در زندان‌اند.



به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش دوازدهم

آدام بوٹ



"کوچک زیباست"

با رشد اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست، ما با ظهور مجدد نوعی لفاظی مواجه ایم که در دهه های گذشته مرسوم بود: "کوچک زیباست". در آن زمان این ایده، که سخت مورد استقبال بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی قرار گرفته بود، چنین عنوان می کرد که اقتصاد نباید توسط شرکتهای چندملیتی غول آسا، بلکه توسط امواجی از شرکتهای کوچک نوآور هدایت شود.

برآمد اقتصاد اینترنتی و مبتنی بر پلتفرمهای نرم افزاری، که اطلاع از ارزیابی میلیونها نفر را برای شرکتهای نوپا فراهم می آورد، جان تازه ای به ایده "کوچک زیباست" بخشیده است. امروزه، مثل سالهای "تب طلا" در قرن ۱۹ در امریکا، وعده داده می شود که هر کارآفرین نوپا می تواند به سرعت پولدار شود. آنچه مورد نیاز است، فقط یک ایده خوب، و آدمی با انگیزه و دل و جرأت است: توی آن تپه ها و رودخانه ها پر طلاست!

اما در ابتدای هر حباب جدیدی، کم از این وعده های شیرین سرخرمن داده نمی شود. مارکس در کتاب سرمایه طبیعت و دینامیسم این حبابها را، که ناشی از جوهر آنارشیک بازار سرمایه داری است، آشکار کرده است: جائی بازار جدیدی باز می شود؛ آنها که پیشقدم اند در نبود رقابت سودهای هنگفتی می برند؛ نوعی رفتار گله وار در میان سرمایه دارانی که می ترسند از قافله عقب بمانند، شایع می شود؛ بازار گفته شده در اثر ظرفیت اضافی متورم می شود و کارش به بحران می کشد، زیرا سرمایه گذاران متوجه می شوند سرمایه شان باز نخواهد گشت و بجای سودی که تصور می کردند نصیب شان خواهد شد، دیون سنگین غیرقابل پرداختی نصیب شان شده است.

این الگوی عمومی تمام حبابهاست: از اولین نمونه های ثبت شده، مثل "تب لاله" هلند در سالهای ۱۶۰۰، تا نمونه مدرن آن، مثل گاز شیل امریکا. به این ترتیب با انباشت انبوهی پول نقد در دست سرمایه داران، بی آن که راهی برای سرمایه گذاری سودآور وجود داشته باشد، قیمت بورس اوراق بهادار و سرمایه هائی که شرکت های نوپا به کار انداخته اند، به طور فزاینده ای از وضعیت واقعی اقتصاد فاصله می گیرند.



نیازی نیست سالهای بسیاری به عقب برگردیم. آخرین نمونه سالهای اخیر در سال ۲۰۰۸ و پس از آن گویاست: حباب ترکید و بحران اقتصادی سنگینی را به بار آورد.

امروزه شرکتهای تکنیک بالا ارزشهای خیره کننده ای یافته اند. پینترست، واس آپ، سنپت، اینستاگرام، ... به ترتیب ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۳۵ میلیارد دلار ارزشگذاری شده اند. و هیچ از این شرکتها هیچ "منبع درآمدی" ندارد. تمام نشانه های یک حباب دیگر مشاهده می شوند. باز انعکاس دیگری از فوق تولید حاد که در پهنه جهانی وجود دارد، از یک سو و نبود جای چندانی برای سرمایه گذاری مولتی میلیاردرها از سوی دیگر.

در این اثنا، سرمایه گذاران مشغول در کار سرمایه گذاری در اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست بوده اند. شرکتهای ایربی ان بی و اوپر، که به ترتیب ۲۶ و ۴۱ میلیارد ارزشگذاری شده اند، هریک به تنهایی ۸ میلیارد دلار سرمایه جذب کرده اند، بدون آن که هنوز سودی نصیب سهامداران شان کنند. تمام این سرمایه با این وعده که این شرکتها موقعیت انحصاری شان را تثبیت خواهند کرد، و بنابراین نهایتاً قادر خواهند شد در آینده نه چندان دور سودهای سرشاری را نصیب سهامداران کنند، جذب شده اند.

به واقع این واقعیت که شرکتهایی مثل ایربی ان بی و اوپر قبل از آن که بتوانند سودی کسب کنند، مجبور اند خودشان را به عنوان شرکتهایی انحصاری تثبیت کنند، ضربه قدرتمندی است به ادعای "کوچک زیباست". صنایع فنی که غالباً با طمطراق از پویایی و رشد سریع شرکتهای نوپا در این بخش دم می زنند، مثل باقی بخشهای اقتصاد زیر سلطه انحصارات اند. اپل، گوگل، فیس بوک، آمازون، ... همه این شرکتهای چندملیتی با نامهای آشنایشان، از موقعیتی تقریباً انحصاری در بازارهای اصلی خودشان بهره می برند. و همان گونه که خرید واتس آپ و اینستاگرام توسط فیس بوک نشان داد، "کوچک" همیشه توسط "بزرگ" بلعیده و از میدان به در خواهد شد.



بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



اقتصاد دیجیتال: فضای مجازی و زمان نامحدود در شبکه بخش ۶

فصلی از کتاب "شرایط دیجیتال – مارکسیسم پسامدرن و تجربه زندگی دیجیتال" انتشارات دانشگاه وست
مینستر- ۲۰۲۰

رابرت حسن

ترجمه: گودرز



جهانی شدن بیرونی

هدف استخراج سود از پول مالی برو دور با استفاده از الگوریتم هایی که به دنبال محاسبه و در نتیجه تعیین اساسا غیر قابل تجزیه، تضمین می کند که فرایند بدون مشکل اجرا خواهد شد. الن اولمن، برنامه نویس و نویسنده رمان *The Bug*-اشکال، این پیچیدگی 'کد انباشته شده بر روی کد' را به عنوان پایه ای برای خلق سلاح فردی و جمعی ما، از منطق دیجیتالی که آن را بر جهان اعمال می کند، توصیف کرده است. او می نویسد: "ما از بعضی جهات نمایندگی خود را از دست داده ایم. هنگامی که برنامه ها به کد منتقل می شوند و کد به الگوریتم ها عبور می کند و سپس الگوریتم ها شروع به ایجاد الگوریتم های جدید می کنند، از نمایندگی انسانی دورتر و دورتر می شوند. نرم افزار به یک جهان کد وارد شده است که هیچ کس نمی تواند به طور کامل آن را درک کند."

'سقوط فلش' وال استریت ششم مه ۲۰۱۰ زمانی رخ داد که الگوریتم فرکانس بالا تجارت (HFT) سیستم به طور غیر قابل توضیحی برای حدود پانزده دقیقه دچار خطا شد، این شرایط باعث شد تا شاخص داو جونز Dow Jones با کاهش ۹ درصد، بزرگترین سقوط یک روزه در تاریخ خود تا آن لحظه را تجربه کند. سیستم بعدا 'بهبود یافت' اما علت خرابی هنوز به طور کامل شناخته شده نیست. چیزی که حداقل توسط برخی فرض می شود این است که کنترل کافی بر سرمایه داری الگوریتمی وجود ندارد. تخمین زده می شود که به طور متوسط یک دوجین سقوط 'مینی فلش' در روز به تنهایی در بخش ایالات متحده از سیستم وجود دارد. همچنین در یک حرکت که تنها برای افزایش پیچیدگی الگوریتمی و غیرقابل پیش بینی بودن تنظیم شده است، برخی الگوریتم های تجاری هم اکنون به سایت های خبری مرتبط شده اند. بنابراین در سال ۲۰۱۶ یک خبر گزارش شده از طرف فرانسوا اولاند نخست وزیر فرانسه که گفته بود "اگر بریتانیا خواستار برکزیت است می تواند از اتحادیه خارج شود." باعث یک گرداب



فروش در پوند بریتانیا شد که ۶ درصد ارزش آن را کاهش داد تا آن که معاملات اتوماتیک بورس به صورت دستی متوقف شد.

ظرفیت دیجیتالی بودن برای 'بهره برداری از طریق سرمایه مالی' روشن است، همان طوری که ناهموار بودن آن روشن است، با مراکز انباشت سرمایه مالی در نیویورک، لندن، توکیو، شانگهای، و تعداد انگشت شماری از شهرهای دیگر که به مکیدن سهم زیادی از منافع تولید شده مشغولند. اما این ناهمواری نیز از طریق شبکه های سیاره ای با هم ترکیب می شود و باعث می شود پول مجازی بر واقعیت مادی تأثیر بگذارد. همان طور که نانسی فریزر آن را 'سیستم اثر موج از مجازی به واقعی و بالعکس تعریف می کند: "تحت تأثیر این سیستم دهقانان بدهکار در جهان جنوب برای سلب مالکیت توسط شرکت های بزرگ که می خواهند زمین هایشان را به چنگ آورند هدف قرار می گیرند، کارگران در شمال مجبور به تمکین به کار با دستمزد پایین هستند در عین حالی که زیر فشار بدهی برای نیاز حداقلی زندگی خورد می شوند، و شهروندان در همه جا محکوم به رعایت ریاضت اقتصادی توسط دولت هایی هستند که به نوبه خود زیر بدهی به مؤسسات مالی جهانی و سرمایه داران در بازار اوراق قرضه تحت فشار هستند..."

بحران مالی جهانی (GFC) در سال ۲۰۰۸ با سقوط در بازار وام مسکن ریسک بالا در ایالات متحده آغاز شد. بسیاری هزاران وام مخاطره آمیز فوق در دهه قبل به طبقه بزرگی از طبقه کارگر با دستمزد کم داده شد. این ها سپس از طریق بسته ابزارهای مالی دوباره به بعضی بخش های مالی جهانی، برای گردش در داخل مبادلات و بانک های وابسته فروخته می شدند. این وام ها به طور ناگهانی، و در امواج قوی مسدود می شدند. سیستم مالی فقط از اثرات این شکست مالی جان سالم به در برد. کمتر خوش شانس اما میلیون ها نفر در جنوب و شمال جهانی بودند که خانه، شغل و زندگی اجتماعی خود را از دست دادند. از سال ۲۰۰۸ آنها همچنان از طریق کاهش هزینه و برنامه های مختلف ریاضت اقتصادی دولتها قربانی می شوند. رنج های آن ها نیز جزئی از آخرین پیامدهای جهانی شدن برونی است. آنها وارد صفوف صنعتی زدایی کارگران می شوند که از دهه ۱۹۷۰ شروع به شکل گیری کرد و امروز هر جا که تکنولوژی جدید قادر به خودکار کردن یا خارج کردن کارخانه و فرستادن مشاغل به مناطق با دستمزد ارزان باشد و برون سپاری مهارت ها و معیشت آنها به رشد خود ادامه می دهند. اینها مواد دور انداخته شده انسانی در نتیجه جهانی شدن برونی هستند، میلیون ها نفر، که عمدتاً در جهان انگلیسی زبان، در جوامع مهاجرین در فرانسه، و در جمعیت شناسی جوانان اروپای مدیترانه حضور دارند. آنها ممکن است بخشی از نیازهای فوق العاده جهانی شدن کلاسیک باشند، اما تابعی از درون دیجیتالیته جهانی-محلی و عباراتی از فرهنگ و سیاست شبکه ای دارند که تضعیف و یا حداقل برای اصول سازماندهی کننده مدرنیته و سنت های لیبرال دموکراسی غرب مشکل ساز می شوند.

خصوصی سازی را متوقف کنید!



چرا کارگران هندی می توانند اعتصاب عمومی راه بیندازند، ما نمی توانیم؟

صادق



بنا به گزارش رسانه‌های مختلف ۲۵۰ میلیون کارگر هندی از پنجشنبه هفته گذشته اعتصابی را شروع کرده‌اند که اکثر شهرهای بزرگ هند را فراگرفته است و دامنه آن به میان کشاورزان هندی نیز امتداد یافته و به اعتصاب عمومی تبدیل شده است. گزارشات مختلفی که از این اعتصاب منتشر شده‌اند حاکی از فلج شدن بسیاری از شهرها و توقف فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی، مسدود شدن جاده‌ها و اشغال ایستگاه‌های مرکزی قطار و غیره توسط کارگران اعتصابی است. ماموران دولتی برای جلوگیری از پیوستن کشاورزان به کارگران اعتصابی که معترض سیاستهای کشاورزی دولت دست راستی و پوپولیست هند هستند راه‌های ورودی به شهرهای بزرگ را در اعتصاب بسر می‌برند مسدود کرده‌اند. با این حال کشاورزان توانسته‌اند با کمک کارگران اعتصابی موانع فیزیکی ورود به شهرها را از سر راه خود بردارند. مشارکت کارگران و کشاورزان مزدبگیران در این اعتصاب به دلیل نارضایتی گسترده اجتماعی از سیاستهای اقتصادی- اجتماعی ریاضتی دولت دست راستی و نئولیبرالی

"نارندرا مودی" و بر سر افزایش دستمزدها حاکی از عزم زحمتکشان هندی برای توقف روندی است که از زمان به قدرت رسیدن نخست وزیر دست راستی هند با موج وسیع خصوصی سازی موسسات دولتی و کاهش شدید یارانه کشاورزان فقیر هند شدت گرفته است. "نارندرا مودی" که از وی بعنوان بزرگترین پوپولیست آسیا هم یاد می‌کنند یک هندوی متعصب مذهبی است که از لحاظ بسیاری به دونالد ترامپ شباهت دارد و از مذهب برای ایجاد شکاف در میان مردم معتقد به مذاهب مختلف بهره می‌گیرد تا بتواند زیر پوشش دین همانند رژیم فقها سیاستهای اقتصادی - اجتماعی محافظه کارانه اش را پیش ببرد. سیاستهای که به نفع زمینداران و سرمایه داران بزرگ هند و علیه حقوق کارگران، کشاورزان و اکثریت جمعیت فقیر و محروم هند است. درست همانطور که سیاستها و رفتار دولت و حکومت در ایران چنین است. با وجود همه تفاوت‌های ظاهری که بین سیاستمداران دست راستی و پوپولیست وجود دارد اما اهداف آنها در هر کجا که باشند مشابه‌اند. قراردادن همه درآمدهای کشور در اختیار ثروتمندان و تحمیل بی حقوقی مطلق به زحمتکشان!



اما یک تفاوت اساسی که در هند و ایران وجود دارد آزادی اتحادیه ها و احزاب سیاسی مختلف است. در هندوستان ده ها اتحادیه نیرومند کارگری هستند که در کنار احزاب سیاسی چپگرا ده ها و بلکه صدها میلیون کارگر و مزدبگیر خود را در آنها متشکل نموده تا بتوانند در هنگام لزوم از حق و حقوق شان دفاع و مراقبت نمایند. همین اتحادیه های کارگری و کشاورزی هستند که توانسته اند با راه انداختن بزرگترین اعتصاب عمومی در جهان و به اعتصاب کشاندن بالغ بر ۲۵۰ میلیون زحمتکش سیاستهایی را که علیه حقوق و منافع آنهاست به چالش بکشند، ولی در ایران چنین نیست. زیرا حق تشکل و حقوق سندیکایی و انسانی زحمتکشان توسط حکومت و دولت برتافته نمی شود و همه تلاشهایی که از طرف کارگران و دیگر مزدبگیران برای تشکیل اتحادیه و سندیکا به عمل می آید با سرکوب و زندان جواب داده می شود. یک تشکل حکومتی بنام "خانه کارگر" با شوراها و انجمن های زیر مجموعه اش وجود دارد که رهبران آن در بدترین شرایط به غیر از نق زدن کار دیگری از دست شان ساخته نیست! چند هفته به سایت خبرگزاری ایلنا اگر مرتب سر بزنید می بینید، صفحات آن پر است از نق و گله گذاریهای رهبران تشکلهای حکومتی. گویی در قاموس این جماعت جایی برای اعتصاب و سازماندهی نیست. ۴۲ سال است که اینها را سرهم بندی کرده اند اما سازماندهی حتی یک اعتصاب در پرونده آنها نیست! بهمین جهت به رغم مخالفت و اعتراض کارگران و دیگر مزدبگیران به سیاستهای نئولیبرالی و ضد کارگری حکومت سیاستهای مخرب دولت بدون موانع جدی پیش برده می شود و اعتراضات گسترده ولی پراکنده و غالباً سازمان نیافته کارگران نتوانسته است حتی روند خصوصی سازی را هم متوقف کند. دلیل آن هم روشن است، وجود تشکلهای حکومتی، نبود اتحادیه های کارگری مستقل و نیرومند در ایران. دلیل اصلی وجود اتحادیه های کارگری در هند دموکراسی است. در ایران نیز تا زمانی که دموکراسی مستقر نشده باشد، امکان تشکیل اتحادیه های نیرومند که بتوانند فعالیت آزاد داشته باشند و از حقوق و منافع زحمتکشان دفاع کنند بسیار دشوار است. این واقعیتی است که تجربه صد ساله جنبش کارگری در ایران نیز آن را تأیید می کند. لپ کلام اینکه کارگران لازم است به طور جدی تری مبارزه برای مطالبات صنفی را با مبارزه برای استقرار دموکراسی پیوند بزنند. اینکه ما مرتب بگوئیم ما فقط حقوق صنفی مان را می خواهیم، نه از شدت سرکوب ما کم می کند و نه ما را به مطالبات مان رهنمون می شود. ما آزادی می خواهیم تا بتوانیم از حقوق انسانی مان بهر مند شویم!



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



بازداشت دوباره کیوان صمیمی را محکوم و خواهان آزادی او هستیم
متأسفانه کیوان صمیمی فعال و مبارز سیاسی کشور را دستگاه سرکوبگر و عدالت ستیز قضایی برای چندمین بار به بهانه شرکت در تجمع روز کارگر سال ۹۸ به زندان برگرداند. کیوان صمیمی ۷۲ ساله که به صرف شرکت در تجمع روز کارگر توسط یکی از ناقاضیان دستگاه ستمگر و ظالم قضایی به ۳ سال زندان تازه محکوم شد، سالهای بسیاری از عمر خود را به جرم عدالت و آزادیخواهی در زندانهای شاه و شیخ گذرانده و ستمهای زیادی بر او روا داشته‌اند که از وصف خارج است. با این همه این ستمها نتوانسته است خللی در اراده پولادین این کهن مبارز راستین راه آزادی و عدالت اجتماعی بوجود آورد. ما به زندان انداختن دوباره کیوان صمیمی را حتی مغایر با قانون اساسی خود حکومت می دانیم. به همین جهت صدور حکم زندان برای ایشان را ظالمانه دانسته آن را محکوم و خواهان لغو این حکم هستیم. کیوان صمیمی باید بدون قید و شرط آزاد گردد.

همچنین در یک اقدام مشابه بیدادگاه دیگری در شهرستان آستانه اشرفیه "پیمان فرهنگیان" را به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم کرد. این محکومیتها حاکی از آن هستند که آزادی خواهان مدافع عدالت اجتماعی و حقوق محرومین بیش از پیش آماج سرکوب دستگاه قضایی قرار گرفته‌اند. که البته از یک حکومت مدافع سرسخت سرمایه داری وحشی همچون جمهوری اسلامی دور از انتظار نیست. آزاد فوری و بی قید و شرط پیمان فرهنگیان و لغو حکم ۱۱ سال زندان تعزیری وی و آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی خواست همه آزادی خواهان و مدافعان عدالت و انسانیت است. صدور این گونه احکام تنها به بیزاری و انزجار هرچه بیشتر آزادی خواهان از رژیم و تقویت اراده مبارزاتی آنها علیه حکومت ستمگر منجر خواهد شد

تجمع اتوبوسرانان در آبادان

در ۱۹ آذر بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا کارگران واحد اتوبوسرانی شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان طی چند ماه گذشته، مقابل سازمان اتوبوسرانی این شهر تجمع و خواستار پرداخت طلب مزدی شان شدند. به غیر از رانندگان گروه دیگری از کارگران پیمانی شهرداری نیز در این اعتراض شرکت دارند.

تجمع بازنشستگان هواپیمایی ملی ایران (هما)

به دنبال تعلل مدیران شرکت هواپیمایی (هما) در اجرای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان در این شرکت شمار کثیری از بازنشستگان که ماه هاست در انتظار اجرای طرح همسان سازی و افزایش حقوق بازنشستگی خود



هستند در اعتراض به این تعلل ۱۷ آذر مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع و خواستار اجرای هرچه سریعتر قانون همسان سازی شدند. این تجمع پس از آن صورت گرفت که هیئت مدیره هما به رغم اعلام موافقت با اجرای همسان سازی به بهانه آماده نبودن طرح توسط کارشناسان اجرای همسان سازی را به بعد موکول می کرد کانون بازنشستگان هما که گفته می شود ۱۰ هزار بازنشسته این شرکت را نمایندگی می کند برای رفع این بهانه مدیریت شرکت پیشنهادات خودش جهت اجرای همسان سازی را به هیئت مدیره ارایه داد داده است. اما مدیریت تا کنون حاضر به بررسی پیشنهادات کانون بازنشستگان نشده است. گفتنی است که قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان سالها پیش به تصویب رسیده است اما دولت تا مدتی پیش که اعتراضات بازنشستگان با درخواست افزایش مستمری و حقوق های بازنشستگی شدت گرفت حاضر به اجرای این قانون نمی شد. بعد از آن که ظاهرا با اجرای قانون موافقت کرد شرط و شروطی برای آن تعیین کرد که با ماهیت قانون در تناقض قرار دارد. کما اینکه با وجود گذشت شش ماه از پذیرش همسان سازی از اجرای واقعی آن طفره می رود و در مواردی هم که مجبور به تن دادن به اجرای آن شده است، آن را نصف نیمه و ناقص اجرا کرده است. این رفتار با بازنشستگان در شرایطی انجام می شود که افزایش همه روزه هزینه های زندگی قدرت خرید بازنشستگان را چنان تقلیل داده که آنها را از تامین معیشت شان ناتوان کرده است. بهر روی مبارزه برای افزایش حقوق های بازنشستگی در چنین اوضاع و احوالی نمی تواند تداوم پیدا نکند!

تجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

مبارزه جهت افزایش دستمزد هر روز که می گذرد ابعاد بیشتری پیدا می کند. هم اکنون یکی از مطالبات محوری کارگران و مزدگیران مطالبه افزایش دستمزد و پرداخت منظم و به موقع دستمزدهاست. در این میان دولت و کارفرمایان برای بی اثر کردن اعتراضات مزدی به هر وسیله ای از تهدید به اخراج گرفته تا سرکوب و به گروگان گرفتن دستمزدها متوسل می شوند. مبارزه برای افزایش دستمزد حتی کارگران واحدهای کلان صنعتی امثال ذوب آهن را به اعتراض واداشته است. بطوریکه در ۱۶ آذر کارکنان ذوب آهن اصفهان نیز با برگزاری تجمعی به نبود تناسب میان دستمزدها و تورم و هزینه های زندگی اعتراض و خواهان افزایش دستمزدهای شان بصورت واقعی و متناسب با هزینه های زندگی شدند. حدود سه ماه پیشتر نیز اعتصاب وسیعی بطور همزمان در شرکتهای پیمانکار فعال در صنعت نفت، پتروشیمی و نیروگاه ها که مهمترین خواست آنها افزایش دستمزد بود صورت گرفت که یک ماه ادامه یافت. وسعت اعتصاب و مقاومت کارگران روی خواسته های شان چنان بود که مقامات دولتی و کارفرمایان را مجبور به عقب نشینی نمود.

ادامه اعتراضات کارگران و پاکبانان شهرداری ها

اعتراضات پاکبانان و کارگران شهرداریها در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارند. در ۱۵ آذر پاکبانان شرکت "آرش زین بابل" در اعتراض به پرداخت نشدن مظم و به موقع مطالبات مزدی شان در محل ایستگاه شوش مترو تجمع کردند و خواستار پرداخت دیون شرکت به کارگران شدند. این تجمع با وعده پرداخت مطالبات کارگران ظرف یک هفته خاتمه یافت. کارگران شهرداری صیدون نیز در ۱۵ آذر در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع و منظم دستمزد و رد نکردن حق بیمه شان به حساب تامین اجتماعی اعتصاب کردند و خواستار پرداخت آنها شدند. همچنین در ۱۶ آذر کارگران بازنشسته شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان در مقابل شهرداری شهر تجمع کردند و خواستار پرداخت ۷۵ درصد از حق سنوات پرداخت نشده شان توسط شهرداری شدند. طبق توافق کارگران با مدیران شهرداری قرار بوده است در پایان شش ماهه نخست سال ۵۰ درصد از حق سنوات آنها پرداخت شود.



بدهی ۶ میلیارد تومانی کارخانه به اداره برق موجب تعطیلی کارخانه نساجی کاشان شد

بدهی کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان به اداره برق موجب قطع برق این کارخانه و بلا تکلیفی حدود ۷۰۰ کارگر کارخانه شد. اداره برق در ۱۷ آذر به خاطر پرداخت نشدن ۶ میلیارد بدهی این شرکت برق کارخانه را قطع و آن را به تعطیلی کشاند. علت واقعی پرداخت نکردن و انباشته شدن پول برق توسط کارفرما روشن نیست. ولی کم نیستند کارفرمایانی که با ندادن پول برق، حق بیمه تامین اجتماعی و مالیات به بهانه نداشتن پول و درآمد سعی می کنند برای امتیاز گرفتن از دولت استفاده کنند. تعداد کارفرمایانی که دیون خودشان را به شرکت برق و تامین اجتماعی نمی دهند بسیار زیاد است. دولت نیز با بخشودگی بخشی یا تمام دیون کارفرمایان در واقع خود آنها را تشویق به این کار می کند. البته تعدادی کارخانه هم وجود دارند که برآستی با کمبود درآمد و نقدینگی روبرو هستند. این عده معمولاً بعد از مدت کوتاهی تولید را رها می کنند و پی کسب و کار دیگری می روند. اما آنهایی که ادامه می دهند درآمد دارند و اگر سود نبرند کارخانه هایشان را تعطیل می کنند. در هر حال تعطیلی هر کارخانه ای به هر دلیل موجب نگرانی کارگران آن بخصوص در شرایط بیکاری گسترده می شود.

تجمع کارگران ابنیه فنی (تراورس) در خراسان

در ۱۵ آذر کارگران ابنیه فنی راه آهن خراسان با برگزاری یک تجمع اعتراضی خواستار پرداخت بدهی مزدی شرکت پیمانکار پیش از واگذاری قسمت ابنیه فنی به شرکت راه آهن خراسان شدند. این تجمع پس از صدور حکم برگرداندن شرکت تراورس به راه آهن خراسان برگزار شد. کارگران که از بازگرداندن شرکت تراورس به راه آهن خشنود هستند نگران به مخاطره افتادن طلب های مزدی شان از شرکت پیمانکار قبل از واگذاری به راه آهن هستند. لازم به ذکر است که علت بازگرداندن شرکت تراورس به راه آهن با حکم قضایی و به دلیل عدم رعایت شرایط توسط کارفرما در هنگام واگذاری و مقررات قانونی ذکر گردیده است.

تجمع پزشکان در استان فارس

شماری از پزشکان خانواده استان فارس در ۱۶ آذر در اعتراض به مبلغ سرانه دریافتی و محرومیت از حقوق بیمه و بازنشستگی در مقابل اداره کل بیمه سلامت و بازنشستگی استان فارس تجمع و خواهان رسیدگی به مطالبات شان شدند. گفته می شود تعداد پزشکان خانواده در حال خدمت در استان فارس ۱۲۰۰ نفر است. خیلی عجیب است که پزشکانی که مسئول درمان مردم یک استان هستند، خود از حق بیمه و بازنشستگی محروم باشند!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!